

پاسداری از فرهنگ عاشورا در سیره معصومان (ع).....

محمد خطیبی کوشکک

کادر علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه

چکیده

انقلاب اسلامی ما با الهام از فرهنگ عاشورا حادث شده است، بنابراین استمرار و بقای انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن نیز در گرو آشنایی شهروندان به ویژه نسل جوان جامعه اسلامی با فرهنگ متعالی عاشورا است. به این دلیل جست و جوی راه کارهای پاسداری از فرهنگ عاشورا در سیره معصومان علیهم السلام انگیزه‌ای برای تدوین این مقاله شده است. مطالعه زندگانی و سیره پیشوایان معصوم شیعه تعدادی از راه کارهای عمده برای ترویج و ماندگاری فرهنگ عاشورا در اختیارمان نهاده است که آنها را در این مقاله تقدیم خوانندگان محترم می‌کنیم.

کلید واژه‌ها: فرهنگ عاشورا، سیره معصومان، زیارت، تربت، گریه

مقدمه

عاشورا نام آشنایی است که به زمان و مکان خاصی محدود نمی‌شود، بلکه تا فراسوی آینده‌های تاریخ بشر امتداد دارد. اگر سیدالشهداء (ع) وارث پیامبران و مصلحان بزرگ تاریخ است، عاشورا نیز روز تولد و عامل ماندگاری عزت و شکوه عالم و آدم است.

عاشورا پاسخی رسا به پرسش ملائک و مایه خفت و شرمساری ابلیس است.^۱ دهه محرم ۶۱ ه. ق نشان داد که قربانی شدن در راه حق (شهادت)، شکست و ناکامی

نیست تا قصه‌اش، غصه و غم، و داستانش، رنج و الم باشد.

عاشورا زادگاه عشق و گهواره آزادگی است. گفتن و نوشتن از عاشورا نه حدیث حزن و اندوه که بیان حماسه‌های پر شمار و انبوه است. شور و حالی که از سخن عاشورا در دل و جان می‌خیزد، نه از سر شکست و ذلت و نه از یادآوری فجایع و مصیبت، که از دولت دلداری و حدیث یار است. این شور و حال دل را آرام نمی‌گذارد و با شکستن گلابدان جان، گلاب محبت و ولایت از دیدگان جاری می‌کند. بزرگ روز عاشورا نه روز مرگ و هلاکت، که روز زایش و ولادت است. کربلا مقتل و مدفن نیست که منبر و معراج است. معراجی از فرش تا عرش، از ازل تا به ابد.

عاشورا نه اسم روزی که نام قرآنی گلگون و صاعد با هفتاد و سه سوره نورانی و پرپر است. کربلا نیز خاک نیست، بلکه رحل پاکی برای آن قرآن مجید است. رحلی که یک سویس با ازل و دیگر سویس با ابد پیوند خورده است. قرآن که واژه‌هایش نه با مرکب و خامه که با خون مقدس نوشته شده است. از این رو، شرح و تفسیر این کتاب آسمانی را نه با قلم و قصیدت که با جانبازی و شهادت باید نگاشت. با این همه، این مقاله تلاشی است برای پاسخ به این پرسش که چگونه می‌توان فرهنگ عاشورا را پاس داشت؟

برای جست و جوی راهکارهای پاسداری از فرهنگ متعالی عاشورا بهترین منبع، بررسی سیره پیشوایان معصوم شیعه، یعنی پیامبر اعظم و امامان معصوم (ع) است. با مطالعه تاریخ زندگی آنان در پی آن هستیم که ببینیم این رهبران الهی برای ماندگاری و استمرار فرهنگ عاشورا چه شیوه‌هایی را پیش گرفته و یا بدان سفارش کرده‌اند.

زنده نگهداشتن یاد و نام حماسه عظیم عاشورا رسالت بزرگی است که حیات دینی و معنوی ما و بقای انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن در گرو آن است فرهنگ عاشورا پرچم بلند مبارزه با بیدادگری و استکبار و استبداد بر فراز قلعه رفیع تاریخ است. فرهنگ عاشورا هشدار جدی به مراکز سلطه و استبداد و استکبار است که هنوز خون حسین (ع) در رگ‌های انسانیت جاری است و از رسیدن خودکامگان و مستکبران به شادکامی‌های ناحق خود جلوگیری می‌کند.

پاسداشت حماسه حسینی (ع)

مطالعه تاریخ اسلام و متون دینی پیرامون امام حسین و جایگاه بی‌بدیل او در هندسه فرهنگ اسلامی معلوم می‌کند که نخستین حافظ و مروج فرهنگ عاشورا پیامبر اکرم اسلام، جد

بزرگوار ابا عبدالله (ع) بوده است. پیامبر (ص) از همان روز نخست ولادت امام حسین (ع) با بیان سرگذشت آن حضرت، نهال شجره طیبه فرهنگ حسینی و عاشورایی را در سرزمین ذهن و ضمیر پیروان خود کاشته، و با اشک دیدگان آبیاری نموده است. وی (ص) در مناسبت‌های مختلف با رفتار و گفتار خود، حسین (ع) و سرنوشت ویژه‌اش را به جهانیان و پیروان خود معرفی کرده است.^۲

اثمه شیعه و پیشوایان معصوم نیز با تاسی از سیره نبوی بر پاسداشت و ماندگاری حماسه حسینی و فرهنگ عاشورا اهتمام تمام داشته‌اند.

امام امیر مؤمنان علی (ع) در بیانات و مناسبت‌های فراوانی از شهادت امام حسین و حوادث عاشورای سال ۶۱ هـ. ق خبر داده اند.^۳ از جمله یکی از اهالی کوفه به نام هرثمه که در جنگ صفین همراه حضرت بود، هنگام برگشت به منزلش، به همسر شیعه‌اش چنین گفت: نمی‌خواهی از مولایت ابوالحسن برایت صحبت کنم؟ او وارد کربلا شد، در آن جا نمازی خواند، آنگاه سر از تربت کربلا بلند کرد و فرمود: شگفتا چقدر خوشبویی ای خاک، حتماً اقوامی از تو محشور می‌شوند که بی حساب وارد بهشت می‌شوند...^۴

امام حسن (ع) نیز در بستر شهادت خود، وقتی سر بر دامن برادرش حسین داشت با دیدن ناراحتی و اندوه برادر به وی فرمود:

لا یوم کیومک یا ابا عبدالله یردلفک إلیک ثلاثون ألف رجل انهم من امة جدنا و یتحلون دین الاسلام و یجتعون علی قتلك و سفک دمک...^۵

یعنی: [حسینم!] هیچ روزی چون روز [شهادت] تو نیست! سی هزار نفر به تو نزدیک می‌شوند، آنها از امت جد ما هستند و ادعای پیروی از دین اسلام دارند در حالی‌که برای کشتن تو و ریختن خون تو گرد می‌آیند.

دیگر امامان معصوم نیز با عمل و سخن خود مدافع فرهنگ عاشورا بودند و با هدایت و راهنمایی آنان بود که نام و نشان محرم سال ۶۱ هـ و حماسه جاوید عاشورا در طول این حدود پانزده قرن در میان مسلمانان بلکه همه مردم جهان باقی مانده است.

تورق تاریخ زندگانی پیشوایان معصوم تشیع، راه کارهای فراوانی را برای پاسداری از فرهنگ عاشورا معرفی می‌کند که اهم آنها را می‌توانیم در یک استقرای ناقص چنین برشمیریم:

۱. زیارت سیدالشهداء(ع):

ائمه علیهم السلام پیوسته پیروان و دوستان خود را به زیارت سالار شهیدان سفارش کرده‌اند.^۶ روایات پرشماری که در این باره رسیده‌اند نشان می‌دهند که زیارت حضرت ابا عبدالله(ع) تأثیر عمیقی در زنده ماندن نام و مرام سرور آزادگان حسین(ع) دارد و عامل اساسی برای آشنایی و تقرب شیعیان با فرهنگ عاشورایی و الگوگیری از آن حماسه‌آفرین جاودان است.

روایاتی که به زیارت امام حسین فرا می‌خوانند، خود به چند دسته قابل تقسیم هستند:^۷

الف. روایاتی که زیارت را واجب و ضروری می‌دانند:

عن ابی عبدالله(ع): لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ حَجَّ دَهْرَهُ وَ لَمْ يَزُرِ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ(ع) كَانَ تَارِكًا حَقًّا مِنْ حُقُوقِ اللَّهِ وَ حُقُوقِ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَنَّ حَقَّ الْحُسَيْنِ قَرِيضَةٌ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ؛^۸

یعنی اگر کسی از شما تمام طول عمرش حج به جا آورد ولی حسین پسر علی (علیهما السلام) را زیارت نکند، حقی از حقوق خداوند و رسول خدا را وانهاده است؛ زیرا که حق حسین(ع) از جانب خداوند بر هر مسلمانی قریضه واجب است.

ب. روایاتی که زیارت را برابر تمامی ارزش‌ها بلکه برتر می‌دانند:

در نظرگاه اسلام اعمال فراوانی از ارزش برخوردارند؛ اعمالی از قبیل: حج، عمره، آزاد کردن بردگان، جهاد و....

دسته‌ای از روایات، زیارت سالار شهیدان را با تعبیر «افضل الاعمال» در ردیف بالاترین و باارزش‌ترین اعمال عبادی قرار داده‌اند.^۹

ج. احادیثی که در مناسبت‌های مختلف مانند روز عرفه، عاشورا، ماه‌های شعبان، رجب، رمضان و شب‌های قدر، اعیاد فطر و قربان و نیمه شعبان و... مسلمانان را به زیارت سالار شهیدان ترغیب می‌کنند.^{۱۰}

د. احادیث دیگری که زیارت امام حسین(ع) را عامل برآورده شدن حاجت‌ها و برطرف شدن بلاها و مشکلات معرفی کرده‌اند.^{۱۱}

ه. روایات فراوانی که به بیان ثواب و آثار زیارت امام حسین(ع) پرداخته‌اند.^{۱۲}

و. مجموعه روایاتی که آداب زیارت و وظایف زائران را تعلیم داده‌اند.^{۱۳}

ز. مجموعه دیگری که مجازات و عواقب ناگوار کسانی را بیان می‌کنند که زیارت سرور آزادگان را - با وجود امکانات و قدرت - وانهادند.^{۱۴}

۲. برپا نمودن مجالس عزاداری:

توصیه به برپایی مجالس عزای حسینی، شیوه کارآمد دیگری برای ماندگاری فرهنگ عاشورا است. رهبران معصوم شیعه همواره پیروان خود را به اقامه چنین محافلی سفارش مؤکد نموده‌اند.

ریان فرزند شیبیب می‌گوید: روز نخست محرم بر امام هشتم (ع) مهمان شدم و از فیض حضورش بهره گرفتم. حضرت به من فرمود:

يَا بَنَ الشَّيْبِيبِ إِنَّ الْحَرَّمَ هُوَ الشَّهْرُ الَّذِي كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ فِيهَا مَضَى يُحْرَمُونَ فِيهِ الظُّلْمَ وَالْقِتَالَ لِحُرْمَتِهِ، فَمَا عَرَفْتَ هَذِهِ الْأُمَّةَ حُرْمَةَ شَهْرِهَا وَلَا حُرْمَةَ نَبِيِّهَا (ص) لَقَدْ قَتَلُوا فِي هَذَا الشَّهْرِ ذُرِّيَّتَهُ وَسَبَّوْا نِسَاءَهُ وَانْتَهَبُوا ثَمَلَهُ، فَلَا غَفْرَةَ لَهُمْ ذَلِكَ أَبَدًا.

يَا بَنَ الشَّيْبِيبِ إِنْ كُنْتَ بَاكِيًا لَيْشَاءِ قَابِكِ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ...^{۱۵}

یعنی: محرم ماهی است که اقوام پیشین به پاس حرمت آن، جنگ و ستم را در آن حرام کرده بودند، اما امت اسلام [زمان امام حسین (ع)] حرمت ماه محرم و حرمت پیامبر اسلام را پاس نداشتند و فرزندان رسول خدا را کشتند و زنان خاندان رسول را اسیر گرفتند و ثروتشان را به یغما بردند، خدا آنان را هیچ گاه نیامرزد! ای پسر شیبیب! هرگاه خواستی بر از دست دادن چیزی (وکسی) اشک بریزی، برای امام حسین (ع) گریه کن!

روایات بی شماری شهادت می‌دهند که امامان (ع) در ماه محرم محزون بوده و مجلس عزای سالار شهیدان و یاران وفادارش برگزار می‌کردند. امام باقر (ع) هم وصیت فرمود ده سال در مینای برای امام حسین مجلس عزای برپا کنند.

فلسفه برگزاری چنین نشست‌هایی می‌تواند اثر چشمگیر آنها در احیای فرهنگ عاشورا باشد. زیرا بر گویندگان، واعظان و مداحان و... است که در این محافل از آرمان‌های سالار شهیدان و شهیدان کربلا سخن بگویند و روح حماسه حسینی را در کالبد شیفتگان و عاشقان اباعبدالله بدمند. این گونه مجلس‌ها فرصت‌های بسیار مناسبی برای عامه مردم است تا با معارف و اخلاقیات و احکام الهی اسلام و مذهب شیعه آشنایی پیدا کنند.

مرثیه خوانی، سینه و زنجیر زنی و... و ایجاد شور و حال معنوی از کارهای پر ثواب این مجلس‌ها است؛ اما مهم آن است که عالمان دینی و مبلغان، این هیجانات و عواطف را با شعور و عقلانیت پیوند داده؛ از فاصله‌های میان شور و شعور و احساسات و عقلانیت بکاهند تا دشمنان و راهزنان فرهنگ، اندیشه و اخلاق دینی نتوانند سرمایه‌های ارزشمند انسانی به ویژه نسل جوان و میراث‌های بزرگ الهی را به یغما ببرند.

امام خمینی سلام الله علیه با فهم دقیق سیره پیشوایان معصوم و آثار آن درباره ارزش و جایگاه عزای حسینی در استمرار و اعتلای حاکمیت دینی و میراث ملی می‌فرماید:

... ملت قدر این مجالس را بدانند، مجالسی است که زنده نگه می‌دارد ملت ما را.^{۱۶}

... ملت ما را این مجالس حفظ کرده، بی خود نبود که رضاخان، مأمورین ساواک رضاخان تمام مجالس عزارا قدغن کردند.^{۱۷} ... مجالس بزرگداشت سید مظلومان و سرور آزادگان که مجالس غلبه سپاه عقل بر جهل و عدل بر ظلم و امانت بر خیانت و حکومت اسلامی بر طاغوت است هر چه باشکوه‌تر و فشرده‌تر برپا شود و بیرق‌های خونین عاشورا به علامت حلول روز انتقام مظلوم از ظالم هر چه بیشتر افراشته شود.^{۱۸}

۳. تقدیر از شاعران عاشورایی:

به دلیل تأثیر شگرفی که زبان شعر در رساندن پیام دارد، پیشوایان شیعه برای جاودان ساختن فرهنگ عاشورا، به شعر و شاعران و مرثیه سرایان حماسه عاشورا اهمیت ویژه‌ای داده‌اند. سخنان فراوانی که امامان علیهم السلام برای تشویق و تبجیل شاعران ولایتمدار و علاقه‌مند به نهضت حسینی بیان کرده‌اند، نشانگر علاقه و اهتمام آن عالی‌مقداران به این هنر ادبی است. اشاره‌ای کوتاه به نمونه‌هایی از این سخنان مؤید گفته ما است:

امام صادق (ع) به جعفر بن عفان طائی فرمود: به من خبر رسیده که شما درباره امام حسین (ع) شعر می‌گویید و خوب هم می‌گویید. عرض کرد: بله. سپس شعرش را برای حضرت خواند.

حضرت و اطرافیان‌ش گریستند. تا آن جا که اشک‌ها بر صورت و محاسنش جاری شد. بعد فرمود: لَقَدْ شَهِدَكَ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُتَرَبُّونَ هَاهُنَا، يَسْمَعُونَ قَوْلَكَ فِي الْحُسَيْنِ (ع) وَ لَقَدْ بَكَوَا كَمَا بَكَيْنَا

وَ أَكْثَرُ؛ ای جعفر به خدا سوگند که فرشتگان مقرب خداوند اینجا سخت درباره حسین (ع) را شنیدند و واقعاً گریه کردند، چنانکه ما گریستیم، و حتی بیشتر. حقیقتاً ای جعفر، خداوند به خاطر تمامی این لحظه (ساعت) بهشت را بر تو واجب کرده و تو را آمرزید.

آنگاه فرمود: بر تو نیفزایم؟ گفت: چرا، ای آقای من. فرمود: کسی نیست که برای حسین (ع) شعری بگوید و بگرید و بگریاند مگر آنکه خداوند بهشت را بر وی واجب نموده، او را می آمرزد.^{۱۹}

در سخن دیگری حضرت فرمود:

عَنْ أَبِي هَارُونَ الْمَكُونِيِّ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَا أَبَاهَارُونَ أَنْشِدْنِي فِي الْحُسَيْنِ (ع) فَأَنْشَدْتُهُ فَقَالَ: أَنْشِدْنِي كَمَا تُشِيدُونَ [يعني بِالرُّقَّةِ] قَالَ: فَأَنْشَدْتُهُ: أَمْرٌ عَلَى....

قَالَ: فَبَيْكِي. ثُمَّ قَالَ: زِدْنِي. فَأَنْشَدْتُهُ النَّصِيدَةَ الْأُخْرَى. قَالَ: فَبَيْكِي سَمِعْتُ بُكَاءً مِنْ خَلْفِ السُّتْرِ. فَلَمَّا فَرَعْتُ قَالَ: يَا أَبَاهَارُونَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ شِعْرًا فَبَيْكِي وَ أَبْكَى عَشْرَةَ كُتَيْبَتِ لَهْمُ الْجَنَّةِ - إِلَى أَنْ قَالَ - مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ شِعْرًا فَبَيْكِي وَ أَبْكَى وَاحِدًا كُتَيْبَتِ لَهْمُ الْجَنَّةِ أَوْ مِنْ ذَكَرَ عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِنَ الدَّمْعِ مِقْدَارِ جَنَاحِ ذُبَابٍ فَكَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ وَ لَمْ يُرْضَ لَهُ بِدُونِ الْجَنَّةِ.^{۲۰}

۴. گریه امامان (ع) برای سالار شهیدان:

اشک مقدس ترین و معنوی ترین پیام است که بدیل دیگری نمی تواند رسالت وی را به زیبایی آن به انجام رساند. گریه بر مظلومیت اباعبدالله و یاران رشیدش، در بردارنده پیام محبت، عشق و شیفتگی به آن عزیزان در خون خفته است. اشک، اعلان وفاداری و پیمان ولایی با سرور آزادگان و رادمردان حسین (ع) است. اشک بر حسین (ع) اعلام ستیز با ظلم و ظالم و بی عدالتی و تبعیض است. ابراز تولای امام حسین (ع) ممکن است در قالب سرودن اشعار، شعارهای انقلابی، برپایی مجلس عزاء و... انجام شود، اما دانه های مرواریدی اشکهایی که از درون دلهای سوزان شیعه و شیفته امام می جوشد و بر پهنای صورت جاری می شود، صادقانه ترین و ناب ترین نماد محبت و ولایت است.

اثمه (ع) هم خود در سوگ شهیدان کربلا اشک می ریختند و هم پیروان خود را به گریه و ندبه تشویق می کردند. از امام صادق (ع) نقل است که علی بن الحسین، امام سجاد (ع) حدود ۴۰ سال بر پدرش گریست. حضرت پس از سفر کربلا روزها روزه می گرفت و شبها به عبادت

بر می‌خواست. هرگاه زمان افطار، خادم غذا و آب برایش می‌آورد و در برابرش می‌نهاد، از وی تقاضا می‌کرد: مولای من غذایت را بخورید. حضرت می‌فرمود: پسر رسول خدا را اگر سینه شهید کردند. پسر رسول خدا را تشنه کشتند. و این سخن را مکرر تکرار می‌کرد و می‌گریست. آن قدر گریه می‌کرد که غذا از دانه‌های اشکش تر می‌شد و آب با اشک چشمانش ممزوج می‌گشت. حضرت پیوسته چنین بود تا به دیدار خداوند شتافت.^{۲۱}

مسعودی نوشته است: کمیت شاعر به مدینه آمد و شبانه بر حضرت باقر وارد شد. اشعاری را که برای اهل بیت (ع) سروده بود، برای حضرت خواند و چون به این بیت رسید:

وَقَتِيلٌ بِالطَّفِّ غُودِرَ مِنْهُمْ
بَيْنَ غَوْغَاءِ أُمَّةٍ وَطِفَامٍ

حضرت بسیار گریست، آنگاه فرمود: اگر مالی نزد ما بود به تو عطا می‌کردیم و لکن آنه چه را که رسول خدا به حسان بن ثابت فرمود به تو می‌گویم: پیوسته تا زمانی که از ما اهل بیت دفاع می‌کنی بار روح القدس مؤید باشی.^{۲۲}

ائمه علیهم السلام علاوه بر گریه‌ای که خود در ماتم ابا عبدالله (ع) داشتند، دیگران را نیز به گریه و گریاندن و حالت گریه گرفتن برای مصیبت کربلا سفارش می‌فرمودند:

امام باقر (ع) می‌فرماید:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع) يَقُولُ: أَيُّمَا مُؤْمِنٍ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) دَمْعَةٌ حَتَّى تَسِيلَ عَلَيَّ خَدَّوْهُ بَوَّأَهُ اللَّهُ بِهَا فِي الْجَنَّةِ غُرْفًا.^{۲۳}

امام سجاد (ع) پیوسته می‌فرمود:

هر مؤمنی که چشمانش برای شهادت حسین بن علی اشک بریزد، آن مقدار که بر صورتش جاری شود، خداوند در برابر، وی را در خانه‌ای از بهشت جای دهد.

امام صادق (ع) فرمود:

إِنَّ الْبُكَاءَ مَكْرُوهٌ لِلْعَبْدِ فِي كُلِّ مَا جَزَعَ مَا خَلَا الْبُكَاءَ وَالْجَزَعَ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ فَإِنَّهُ فِيهِ مَا جُورٌ.^{۲۴}

گریه و بی‌تابی در همه امور برای بنده نارواست مگر گریه و بی‌تابی برای حسین فرزند علی (ع) که او در انجام آن پاداش دارد.

امام رضا(ع) نیز فرمود:

فَعَلَىٰ مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ، فَإِنَّ الْبُكَاءَ عَلَيْهِ يَحُطُّ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ.^{۲۵}

بر کسی مانند حسین(ع) باید گریست، زیرا که گریه برای او گناهان بزرگ را فرو می‌ریزد.

۵. سجده بر تربت کربلا در نماز

امامان اهل بیت(ع) در نمازهای خود بر خاک کربلا سجده می‌کردند؛ زیرا که سجده بر تربت سرور آزادگان و سالار شهیدان در واقع سر گذاشتن بر آستان آزادی، عشق به خدا و ایثار و جانبازی در راه خدا است. سجده بر تربت ابا عبدالله یادآوری و مشاهده زیباترین تابلوی بندگی و معاشقه با معبود یگانه است. یادآور زمانی است که حسین(ع) در گودی قتلگاه افتاده و ترنم زیبا و غیر قابل وصف «رَضِيَ بِرِضَاكَ، تَسْلِيمًا لِأَمْرِكَ لَا مَعْبُودَ لِي سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ» راز مژه می‌کرد.

تربت کربلا همان خاک مقدسی است که پیامبر اعظم(ص) پس از بونیدن آن با اشک چشم خطاب به آن فرمود: «طوبى لك من تربته» خوشا به حالت ای خاک.

معاویه پسر عمار می‌گوید: كَانَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) خَرِيْطَةٌ دِيْبَانِجٍ صَفْرَاءُ فِيهَا تُرْبَةٌ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَكَانَ إِذَا خَضَرَتْهُ الصَّلَاةُ صَبَّهَ عَلَى سَجَادَتِهِ وَ سَجَدَ عَلَيْهِ. ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الشُّجُوْدَ عَلَى تُرْبَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَحْتَرِقُ الْحُجُبَ السَّبْعَ...^{۲۶}

امام صادق(ع) کیسه زرد رنگی داشت که مقداری از تربت کربلا در آن بود، هنگام نماز، حضرت آن را بر سجاده می‌ریخت و بر آن سجده می‌کرد. سپس فرمود: سجده بر تربت ابا عبدالله حجاب‌های هفتگانه را می‌درد و سبب قبولی نماز می‌شود.

نقل دیگری این چنین است: كَانَ الصَّادِقُ (ع) لَا يَسْجُدُ إِلَّا عَلَى تُرْبَةِ الْحُسَيْنِ (ع) تَذَلُّلاً وَ اسْتِكَانَةً إِلَيْهِ.^{۲۷}

امام صادق(ع) بر چیزی جز تربت حسین(ع) سجده نمی‌کرد و این به دلیل ابراز تذلل و فروتنی در مقابل خداوند بود.

پیشوایان بزرگ شیعه با عمل و سخن خود درباره تربت سیدالشهداء، استحباب سجده بر خاک کربلا را به شیعیان خود آموختند. از همین جاست که فقیهان فرهیخته عالم تشیع به مستحب بودن سجده بر تربت سرور آزادگان حسین(ع) فتوا داده‌اند.

۶. مقابله با تحلیل‌های انحرافی از اهداف نهضت حسینی

دشمنان اسلام ناب که از زنده ماندن نام امام حسین و حماسه عاشورا برای منافع نامشروع و استثمار خود ترسان بودند، همواره تلاش می‌کردند با تحلیل‌های انحرافی از اهداف حرکت عظیم الهی امام حسین (ع)، مردم را از اندیشیدن و توجه به این نهضت الهی و قیام خونین باز دارند.

در مقابل، اهل بیت علیهم السلام با جهاد فرهنگی و با تبیین هدف‌های مقدس انقلاب حسینی، مانع فراموشی و خاموشی این مهر تابان و انقلاب آزادی‌بخش می‌شدند.

حاکمان جور اموی و اطرافیان آنها آغازگر این حرکت شیطانی بوده و با تبلیغات انحرافی خود سعی داشتند مردم را از شناختن حقایق حماسه عاشورا منع کنند.

برخی از این مزدوران اموی نوشته‌اند: **خَرَجَ الْحَسِينُ مِنْ حَدَّةٍ فَقُتِلَ بِسَيْفٍ جَدَّةٍ**؛^{۲۸} حسین از محدوده خویش بیرون رفت و با شمشیر جدش کشته شد!

امویان برای سرپوش نهادن بر فجایعی که در سرزمین کربلا انجام دادند، امام حسین و یاران شهیدش را خارجی [کسانی که بر حکومت عادلانه می‌تازند] معرفی می‌کردند. از این رو، هنگام ورود اسیران به شام وقتی درباره ملیت اسیران و سرهای شهیدان که بر فراز نیزه‌ها بودند، از آنها پرس و جو می‌شد، می‌گفتند: اینان کسانی‌اند که بر امیرالمؤمنین یزید خروج کرده‌اند.

باز ماندگان واقعه کربلا از همان روزهای نخست پس از واقعه طف به مبارزه و پاسخگویی به این هجمه‌های تبلیغاتی امویان پرداختند.

امام سجاد (ع) با خطبه دشمن شکن و روشنگر خود در مسجد اموی طشت رسوایی یزید و سربازانش را به زمین زد و حقایق را بر ملا نمود و خویشاوندی خود و پدر بزرگوارش را با پیامبر (ص) آشکار ساخت.

زینب سلام الله علیها نیز در فرصت‌های پیش آمده با بیان حقایق توطئه‌های شوم اموی را حثی می‌کرد؛ چنان که در سخنان تاریخی خود در مجلس پسر زیاد برادر شهید و یارانش را چنین با افتخار معرفی فرمود: **هَؤُلَاءِ قَوْمٌ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقَتْلَ فَبَرَزُوا آلِي مَضْجَعِهِمْ**؛^{۲۹} آنان کسانی‌اند که خداوند شهادت را بر آنها نوشت و آنان به جایگاه‌های خود [در بهشت] وارد شدند.

دیگر امامان شیعه نیز در مناسبت‌ها و دعاها و زیارت‌نامه‌ها و احادیثی که درباره امام حسین داشتند، از اهداف قیام حسینی حراست کرده و واقعیات را برای آیندگان روشن نمودند. از باب نمونه امام صادق(ع) در زیارت اربعین امام حسین چنین یا خداوند نجوا می‌کند:

وَ بَدَلْ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِتَبْقَدَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ...

خون دلش را در راه تو بدل نمود تا بندگان را از نادانی و سرگردانی گمراهی نجات دهد.

۷. نشر معارف و احکام الهی، دستاورد حماسه حسینی

تبلیغ تعالیم دینی و احکام اسلامی، رسالت بزرگ پیامبر اعظم(ص) و جانشینان بر حق آن حضرت است. فراگیری احکام ناب اسلامی و آموزه‌های قرآنی جز از سرچشمه زلال عترت طاهره ممکن نیست. بدین دلیل، رسول خدا(ص) بارها مردم را به تمسک به قرآن و عترت سفارش کرد. حدیث ثقلین در منابع روایی عامه و خاصه شهره است بعد از ارتحال پیامبر(ص) با انحراف ولایت و رهبری امت، تلاش فراوانی از سوی غاصبان خلافت صورت گرفت تا خاندان پیغمبر را از حوزه زعامت و رهبری دینی جامعه اسلامی کنار نهند و آنان را از انجام رسالت خطیر تبلیغ معارف و احکام الهی باز دارند.

این تلاش از صدر اسلام آغاز شد و تا زمان امام باقر و صادق و حتی بعدها نیز ادامه یافت. شهادت امام حسین و زنده نگاهداشتن یاد و خاطره‌های عاشوراییان از سوی امامان علیهم السلام سبب شد زمینه مناسبی فراهم شود تا توده‌های مسلمانان با عترت پیامبر و خاندان نبوت ارتباط مستمر پیدا کنند و در نتیجه فرصت‌هایی برای نشر و ترویج آموزه‌ها و احکام الهی فراهم گردد. البته این فرصت در عصر امام باقر و صادق علیهما السلام که مصادف با انقراض سلطه اموی و مروانی بود بیش‌تر و بهتر فراهم شد.

یکی از نویسندگان در این باره می‌نویسد: ائمه هدی(ع) وسیله و راهی برای انتشار امر خود و تبلیغ دین خدا و احیای شریعت جدگرامی‌شان پیامبر(ص) نداشتند بجز اینکه توجه مردم را به این نهضت کریمه متوجه سازند و این باعث شد که با شناخت قیام عاشورا مردم درک کنند که حق در جانب حسین و فرزندان اوست که آنها ائمه دین هستند و این باعث حرکت و سیر در صراط آنان و اخذ به طریقه آنان گردید.^{۳۰}

این فراز را با بیان رسایی از حضرت امام خمینی مزین می‌کنیم:

مجالسی که به نام روضه در بلاد شیعه به پا می‌شود با همه نواقصی که دارد باز هر چه دستور دینی و اخلاقی است و هر چه انتشار فضایل و پخش مکارم اخلاق است در اثر همین مجالس است. دین خدا... در سایه این مجالس مقدس که اسمش عزاداری و رسمش نشر دین و احکام خداست تاکنون به پا بوده و پس از این هم به پا خواهد شد.^{۳۱}

۸. حمایت از جنبش‌های حامی نهضت عاشورا

مکتب جاوید عاشورا، دانشگاه بزرگی است که انسان‌های آزادی‌خواه، حق‌طلب، عدالت‌جو و ظلم‌ستیز بسیاری را در تاریخ ماندگار خود روشنی بخشید و تربیت نمود. نهضت‌های آزادی‌بخش و استقلال طلب زیادی در سالیان و قرون بعد از محرم سال ۶۱ هجری قمری در جهان به ویژه دنیای اسلام اتفاق افتاد که به اعتراف رهبران و هادیان آنها همه متأثر از شخصیت امام حسین (ع) و به پیروی از قیام خونین کربلا بوده‌اند.

پس از زمان اندکی بعد از جریان عاشورا، کوفیان تائب (توابین) با سردمداری سلیمان بن صرد خزاعی در کوفه با شعار «یا لثارات الحسین» به پا خاستند. بعدها در سال ۶۳ ه. ق مردم مدینه با هدایت عبدالله فرزند حنظله غسبل الملائکه علیه حاکمیت ظالمانه یزید قیام کردند و شهدای بسیاری در این راه دادند و فجایع بسیاری را در این راه متحمل شدند که در تاریخ اسلام به «واقعه حزه» شهرت دارد.

به سال ۶۶ ه. ق مردم کوفه بار دیگر به رهبری مختار بن ابی عبیده ثقفی علیه حکومت یزید قیام کردند و در آن عبیدالله بن زیاد را در نهر خازر موصل کشتند و بسیاری از عوامل حوادث عاشورا را به سزای جنایات خود رساندند.

این قیام سبب شادمانی امام سجاد (ع) و بازماندگان شهیدان کربلا گردید.

قیام‌های زید فرزند امام سجاد (ع) و محمد و ابراهیم پسران عبدالله بن حسن نیز در این راستا قابل یادآوری است.

جنبش‌ها و انقلابات دیگری نیز از حماسه جاوید اباعبدالله الهام گرفته‌اند، از جمله در عصر جدید مهاتما گاندی رهبر فقید هند نیز به این می‌بالید که انقلاب استقلال جویانه در هند را از امام حسین (ع) آموخته است.

سرانجام آنکه، در پایان هزارهٔ دوم میلادی - قرن بیستم - انقلاب بزرگ اسلامی ایران به رهبری سلالهٔ پاک امام حسین (ع) نیز و امدار قیام خونین سرور آزادگان (ع) است. معمار بزرگ انقلاب حضرت امام خمینی (ره) نیز به این افتخار می‌کرد که «عاشورا روز حماسه و تولد جدید اسلام و مسلمانان است.»

و در سخن دیگری فرمود: «محرم و صفر است که اسلام را زنده نگاه داشته است.»^{۳۲}

نتیجه

پاسداری از فرهنگ غنی عاشورا رسالت بزرگی است بر شانه کارگزاران و متولیان امور فرهنگی جامعه اسلامی ما، به ویژه روحانیان معظم.

پدیدهٔ گرانشنگ بزرگداشت نهضت عاشورا نیز مانند سایر پدیده‌های دنیا، دچار افراط و تفریط شده، در معرض انحطاط و انحراف قرار می‌گیرد. از این رو، بر عالمان دینی و اصحاب سخن و قلم است که برای مرزبانی و حراست از این میراث گرانبها از آن مراقبت نموده با آفات و آسیب‌ها مبارزه نمایند و راه‌های مناسب و کارآمد حفظ و استمرار آن را به امت اسلامی و شهروندان جامعه دینی ارائه نمایند.

پی‌نوشتها:

۱. سورهٔ بقره، آیات ۳۰-۳۴.
۲. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۴۴، ۴۵.
۳. همان، ج ۴۴، ص ۲۵۰-۲۶۹.
۴. همان، ص ۲۵۵-۲۵۶.
۵. الخصائص الحسينیه، شیخ جعفر شوشتری، چاپ اول (دارالسرور، بیروت، ۱۴۲۴)، ص ۲۱۲.
۶. ر.ک: کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه، چاپ اول (المطبعة المبارکة المرتضویه، نجف، ۱۳۵۶ ق).
۷. ر.ک: مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی (ره) و فرهنگ عاشورا، دفتر سوم، چاپ اول (مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام)، ص ۱۷۶.
۸. کامل الزیارات، ص ۱۲۲.
۹. کامل الزیارات، باب‌های ۵۸، ۶۰، ۶۳، ۶۶، ۶۷.
۱۰. همان، باب‌های ۷۰-۷۴.
۱۱. همان، باب‌های ۶۱-۶۹.
۱۲. همان، باب‌های ۴۵، ۴۶، ۵۳، ۵۴، ۵۷، ۵۹، ۶۳.
۱۳. همان، باب‌های: ۴۸، ۴۷، ۷۶، ۷۵، ۷۰.

۱۴. همان، باب ۷۸.
۱۵. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۱۱، ح ۲.
۱۶. صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۰۹.
۱۷. همان، ج ۱۰، ص ۳۱.
۱۸. همان، ج ۳، ص ۲۲۶.
۱۹. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۴، ص ۵۹۳-۵۹۴، باب ۱۴، ابواب المزار، ح ۱.
۲۰. همان، ح ۳.
۲۱. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۴۹.
۲۲. مروج الذهب، مسعودی، ج ۲، ص ۱۹۵.
۲۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۴، ابواب المزار.
۲۴. همان، ص ۲۹۱.
۲۵. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۴، ابواب المزار.
۲۶. همان، ج ۵، ص ۳۶۶، ابواب ما یسجد علیه، باب ۱۶، ح ۳.
۲۷. همان، ح ۴.
۲۸. مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۹۵.
۲۹. نفّس القهوم: شیخ عباس قمی، ص ۴۰۷.
۳۰. مقتل الحسین (ع)، مرحوم مقدم، ص ۹۵.
۳۱. تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی (ره)، تدوین مجتبی فراهانی، مؤسسه امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۸۱ ش، ص ۱۱۴-۱۱۵.
۳۲. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۰۴. سخنرانی تاریخ ۱۳۶۰/۸/۴.